

بررسی جامعه‌شناختی روزنامه‌نگاری زنان در عصر مشروطه (با تأکید بر روزنامهٔ زبان زنان)

هما زنجانی‌زاده،* علی باغدار دلگشا**

چکیده

هدف این پژوهش بررسی جایگاه نگارش زنان در مطبوعات مشروطه با تأکید بر روزنامهٔ زبان زنان به سردبیری صدیقه دولت‌آبادی است که یکی از برجسته‌ترین مطبوعات زنان در اواخر دورهٔ قاجار (۱۲۹۸ شمسی) به‌شمار می‌رود. روزنامه‌های که حاوی مطالبی چون برابری جنسیتی و توجه به حقوق اجتماعی زنان، از جمله تساوی حقوق اجتماعی با مردان و مشارکت سیاسی زنان بود و نقشی اساسی در بیداری و آگاهی زنان ایرانی داشت. این پژوهش به شیوهٔ اسنادی و به روش تحلیل محتوا گردآوری شده است. پرداختن به این دوره به‌دلیل حضور فعال اجتماعی زنان برای نخستین‌بار به شکل شبه‌صنفاً اهمیت دارد. دوره‌ای که زنان به مطرح‌کردن درخواست‌های اجتماعی خود می‌پردازند که در این بین ایجاد مدرسه برای دختران از اصلی‌ترین درخواست‌های آنان است. این تحقیق به ثمر رسیدن تلاش اجتماعی و احقاق حقوق اجتماعی زنان را نشان می‌دهد.

کلیدواژه‌ها: مطالبات اجتماعی زنان، مشروطه، روزنامه‌نگاری زنان، روزنامهٔ زبان زنان، مدرسه‌های دختران.

* دانشیار جامعه‌شناسی دانشگاه فردوسی مشهد homa009@yahoo.com

** دانشجوی کارشناسی ارشد تاریخ ali.b.delgosha@gmail.com

مقدمه

این پژوهش باتوجه به اهمیت نقش مطبوعات در یکی از حساس‌ترین و مهم‌ترین ادوار تاریخ تجددگرایی ایران، یعنی اواخر دوره قاجار و دوران قبل‌از روی کارآمدن رضاشاه به بررسی مطالبات جامعه‌شناختی زنان می‌پردازد. زنان با شروع حرکت مشروطه‌خواهی، فضای ایجادشده در جامعه را برای مطرح‌کردن درخواست‌های اجتماعی خود مناسب می‌بینند و مطالبات اجتماعی خود را در قالب نگارش نامه در مطبوعات مطرح می‌کنند. در این پژوهش، به نامه‌نگاری‌های نسوان^۱ در روزنامه‌ی *زبان زنان* به‌عنوان سومین روزنامه‌ی زنان در ایران بوده است پرداخته خواهد شد. این مقاله صرفاً به بررسی ۴۳ شماره‌ی نخستین آن روزنامه پرداخته است که در مجموع دو سال ابتدایی *زبان زنان* را شامل می‌شود. موارد تحت بررسی در این پژوهش مربوط به سال‌های ۸-۱۳۳۷ قمری مطابق با سال‌های ۱۲۹۸ و ۱۲۹۹ هجری شمسی است.

طرح مسئله

علت انتخاب این مقطع زمانی اهمیت حضور زنان برای اولین بار در قالبی رسمی و تاحدودی شبه‌صنفا در فعالیت‌های اجتماعی ایران است. دوره‌ای که وضعیت نابه‌سامان اجتماعی در عصر قاجار درکنار نفوذ فرهنگ غربی زمینه را برای طرح نظریات جدید به‌ویژه در حوزه زنان در قالب ایجاد مدارس دخترانه و انتشار روزنامه و ایجاد انجمن‌های سری و نیمه‌سری نسوان هموار کرد. سؤال‌هایی که می‌توان مطرح کرد عبارت‌اند از اینکه: مهم‌ترین مطالبه اجتماعی زنان در نامه‌نگاری‌هایشان در روزنامه‌ی *زبان زنان* کدام است؟ آیا به‌کاربردن واژگانی مانند زنان و خواهران نشانی از ایجاد زمینه اتحاد برای زنان بوده است؟ و اگر پاسخ مثبت است، آنها تا چه مقدار به هدف خودشان رسیده‌اند؟ سؤال اساسی و مهم دیگر این است که به چه دلیل در این دوره، زنان به روزنامه‌نگاری روی می‌آورند؟

هدف

این پژوهش قصد دارد به ارائه‌ی تحلیلی از درخواست‌های زنان ایرانی و بررسی نوع مطالبات اجتماعی آنان در عرصه‌ی روزنامه‌نگاری زنان در ایران بپردازد. میزان تلاش زنان در تأکید بر مطالبات اجتماعی‌شان در عصر مشروطه را می‌توان در نامه‌نگاری‌های آنان در مطبوعات این دوره جست‌وجو کرد. در نامه‌نگاری‌های زنان مواردی چون تلاش برای ایجاد مدارس نسوان

^۱ واژه‌ی نسوان جمع اشتباه کلمه‌ی نساء به معنی زنان است که در ادبیات این زمان بیشترین کاربرد را به جای کلمه‌ی زنان دارد.

و سوادآموزی برای دختران، حضور فعالانه در عرصه‌های اقتصادی و حرکت‌هایی ملی چون ایجاد بانک ملی و مبارزه با ورود منسوجات خارجی نیز دیده می‌شود. در بررسی اقدامات و نگارش زنان، تأکید این پژوهش بر روزنامه‌ی زبان زنان به سردبیری صدیقه دولت‌آبادی است. به نظر می‌رسد اندیشه‌های مطرح‌شده در نامه‌نگاری‌های زنان و نام‌گذاری زبان زنان نشانه‌ی نوعی خیزش فمینیستی (بینشی که خواهان برابری حقوق اجتماعی برای زنان در جامعه است) در راستای مطرح کردن مطالبات اجتماعی زنان باشد.

پیشینه پژوهش

هرچند تاکنون تحقیقی تخصصی درباب روزنامه‌نگاری زنان در زبان زنان با رویکرد جامعه‌شناختی صورت نگرفته است، می‌توان از پژوهش‌های ذیل به‌منزله‌ی پیشینه‌ی پژوهش درباب سیمای زنان ایرانی در مطبوعات عصر مشروطه و بررسی مطالبات اجتماعی نام برد.

کتاب *زن ایرانی در نشریات مشروطه* نوشته‌ی غلامرضا وطن‌دوست، مریم شیبری و آفرین توکلی که در سال ۱۳۸۷ تجدید چاپ شد، به بررسی چهره‌ی زن به صورت‌گزینشی در برخی مطبوعات مانند مجلس، تمدن، صوراسرافیل، حبل‌المتین، بهار، ایران نو، دانش و شکوفه می‌پردازد. یکی از اصلی‌ترین ایرادهای کتاب، شباهت‌نداشتن روزنامه‌های مذکور در هدف مطالبات اجتماعی دوره‌ی مشروطه است.

مقاله‌ی «تحلیل خرده‌گفتمان‌های زنان در دوره‌ی مشروطیت» نوشته‌ی سوسن باستانی، زهره امیدپور، علی رجب‌لو، در: *جامعه‌شناسی تاریخی*، ۱۳۹۲، شماره ۱: ۷۳-۱۰۸. از گفتمان سنتی مردسالار جامعه‌ی قاجار و تحلیل خرده‌گفتمان رادیکال و خرده‌گفتمان میانه‌رو سخن به میان آورده است و مبارزات زنان در دوره‌ی مشروطه را مبارزه و منازعه‌ی گفتمانی معرفی می‌کند. درباب گفتمان زنان در دوره‌ی مشروطه، نقد سیاست و حکومت، ضعف مردان و بی‌عدالتی و تبعیض جنسیتی بحث می‌شود و روزنامه‌ی زبان زنان روزنامه‌ای با رویکرد رادیکال معرفی می‌شود.

نگارش مطبوعاتی در ایران

نخستین بار نام روزنامه به معنای کاغذی که اخبار و رخداد‌های جامعه در آن درج می‌شود در کتاب میرعبداللطیف شوشتری نگارنده‌ی کتاب *تحفة‌العالم* در دوره‌ی قاجار آمده است. شوشتری کتاب خود را در سال ۱۲۱۶ قمری یعنی حدود سی‌وهفت سال قبل از انتشار نخستین روزنامه در ایران به نگارش درآورده است. او نخستین بار در هند با روزنامه آشنا شده است (شوشتری، ۱۳۶۳: ۲۶۳). میرزا ابوطالب‌خان اصفهانی نیز در کتاب خود با نام

مسیر طالبی از کاغذ اخباری سخن می‌گوید که اخبار انگلستان در آن درج می‌شده است (اصفهانی، ۲/۱۳۶۳: ۱۹۵). در ادامه نیز میرزا ابوالحسن ایلچی در حیرت‌نامه سفرها که در ۱۲۳۱ قمری نوشته است به وجود کاغذ اخبار در انگلستان اشاره کرده است (ایلچی، ۱۲۳۱ ق: ۲۱۰). با آغاز رویکرد مشروطه‌خواهی و خیزش‌های اجتماعی نیز روزنامه‌های متعدد فارسی خارج از ایران به چاپ می‌رسید که منبع آگاهی‌دهنده از اقدامات غرب به جامعه ایران بود. با رشد حرکت مشروطه‌خواهی، مطبوعات در داخل ایران نیز به سرعت گسترش یافتند. در دوران هجده‌ماهه استبداد صغیر رشد مطبوعات متوقف شد و در زمان مجلس دوم در ۱۳۲۸ قمری، اتفاق مهمی در مطبوعات فارسی‌زبان داخل ایران رخ داد و آن انتشار مطبوعات به‌کوشش زنان بود.

ویژگی مطبوعات زنان داشتن رویکرد و خیزش خاصی به جانب مطالبات اجتماعی جنس زن بود. به نوعی می‌توان سیر تحول متون مندرج در این روزنامه‌ها را در قالب خیزش خرده‌جنبشی به معنای همکاری زنان با جنبش عمومی در کشور معرفی کرد. خیزش اجتماعی زنان علاوه بر انعکاس در مطبوعات داخلی در مطبوعات خارجی نیز منعکس شد که نمونه آن درج نوشته‌ای در مطبوعات انگلستان بود. نوشته‌ای که واکنش زنان ایرانی را به تسلط بیگانگان نشان می‌داد (سینگ، ۱۹۱۱: ۱۷۸). تلاش‌ها در این عرصه تا آنجا رسید که زن ایرانی، که تا دیروز در حصار بود و حق سخن‌گفتن و علم‌آموختن نداشت، در دفاع از مشروطه به نامه‌نگاری در مطبوعات می‌پرداخت و از ملل دیگر برای پیشبرد اهدافش کمک می‌طلبید. نمونه بارز این اتفاق نامه زنان ایرانی مقیم اسلامبول به ریاست شخصی به نام "زهره" به ملکه انگلیس و ملکه پروس است. نامه‌ای که در آن زنان برای اتحاد بیشتر با زنان اروپایی از لفظ "خواهران" استفاده می‌کنند و از ملکه انگلیس تقاضا دارند مانع کشتار زنان به دست محمدعلی‌شاه شود (بردفورد، ۱۹۵۹: ۱۵۵). با توجه به مطالب ارائه‌شده به نوعی می‌توان این گفته نیکی کدی را قبول کرد که اولین فعالیت‌های سیاسی زنان در ایران در حرکت مشروطه‌خواهی به‌وقوع پیوست (کدی، ۲۰۰۰: ۴۰۵) که نشان‌دهنده اهمیت دوره مشروطه به‌مثابه دوره آغازین حرکت اجتماعی زنان ایرانی است.

نامه‌نگاری زنان در مطبوعات مشروطه

دلیل توجه زنان به مطبوعات برای طرح مطالبات جامعه‌شناختی این است که در این دوران صرفاً دو منبع منبر و مطبوعات هستند که می‌توانند نقش اطلاع‌رسانی به جامعه را ایفا کنند. در این بین در جامعه ایران دوره مشروطه، مطبوعات و شب‌نامه‌ها تنها منابعی هستند که می‌توانند گذار ایران را به سوی جامعه مدنی تحقق بخشند. شب‌نامه‌ها نیز رویکرد کاملاً

سیاسی داشتند و معمولاً در انجمن‌های نیمه‌سری و سری به‌صورت مخفیانه منتشر می‌شدند، اما مطبوعات به‌دلیل کثرت شمارگان و گستردگی حجم، اصلی‌ترین رسانه‌هایی بودند که زنان در آن به طرح مطالبات خود می‌پرداختند و زمینه‌های آگاهی‌دادن به جامعه به‌خصوص زنان را ایجاد می‌کردند.

در میان مطبوعات عصر مشروطه، آنهایی که توجه ویژه‌ای به زنان و مسائل اجتماعی آنان نشان می‌دادند عبارت بودند از *صوراسرافیل*، *حبل‌المتین*، *مساوات*، *ایران‌نو*، *تمدن* و *ندای وطن*. شماره‌های ۷ و ۱۸ از روزنامه *صوراسرافیل* نخستین و یگانه شماره‌های این روزنامه هستند که در آن نامه‌ای از یک زن درج شده است. این نامه که نگارنده‌اش خود را «یکی از نسوان جان‌نثار وطن» معرفی می‌کند، به‌شدت از مخالفان مشروطه انتقاد می‌کند (*صوراسرافیل*، ۲۱ جمادی‌الآخر ۱۳۲۵: ۴-۵). همچنین نامه «خلاصه مکتوب علویه از ساری» نیز به «دادخواهی» در قالب امنیت اجتماعی برای زنان می‌پردازد (*مساوات*، ۱۹ شهر صفر ۱۳۲۶: ۴). در نامه‌ای دیگر یکی از «طرفداران علم نساء مظلومات ایرانی» به انتقاد از وضعیت نابرابر تحصیلی زنان پرداخته است (همان: ۶).

روزنامه *ایران‌نو* نیز در نامه‌ای که یکی از شاگردان دبستان ناموس به نگارش درآورده است، اشاره می‌کند که تربیت نسوان و ایجاد راه‌های سوادآموزی و مشارکت اجتماعی برای دختران چه مقدار می‌تواند موجب پیشرفت و سعادت مملکت ایران گردد (*ایران‌نو*، ۲۲ شعبان ۱۳۲۷: ۲). در نامه‌ای دیگر که به قلم شخصی به نام فاطمه نوشته شده است به مشکلات نبود مدارس برای نسوان اشاره شده است (*ایران‌نو*، ۱۰ رمضان ۱۳۲۷: ۲). اهمیت ایجاد مدارس نسوان تا این حد بود که حتی در مطبوعاتی چون *حدید* هم مقالاتی چون «طلب‌العلم فریضه علی کل مسلم و مسلمة» (*حدید*، ۲۶ رجب ۱۳۲۴: ۱۹-۱۹) را می‌توان دید. زنان ایرانی مقیم اسلامبول نیز نامه‌نگاری‌هایی را در مطبوعات به نام خود به ثبت رسانده‌اند. از جمله مهم‌ترین نگارش‌ها در این بین مکتوب انجمن خیریه نسوان ایران مقیم اسلامبول است که همگی آنان زنان ایرانی مقیم اسلامبول هستند (*بردفور*، ۱۹۵۹: ۱۵۵). در عشق‌آباد و روسیه نیز زنان با دقت اوضاع ایران را پیگیری و در نامه‌های خود تقاضا می‌کردند علاوه بر تدریس اصول مقدماتی، حرفه‌هایی نظیر دندان‌پزشکی، جراحی و قابلگی نیز برای زنان ایجاد شود (*آفاری*، ۱۳۷۸: ۴۰۶).^۲

^۱ در این مقاله تمام تاریخ‌های مطبوعات مشروطه به دلیل استفاده آن مطبوعات از تاریخ قمری به همان تاریخ است.

^۲ درباب حضور و فعالیت‌های اجتماعی زنان ر.ک آفاری، ژانت (۱۹۹۱) *دموکراسی مردمی و دموکراسی اجتماعی در انقلاب مشروطه ۱۹۱۱-۱۹۰۶*، رساله دکتری دانشگاه میشیگان.

روزنامه‌نگاری نسوان و نامه‌نگاری‌های مخدرات^۱

دانش اولین نشریه‌ای بود که چشم‌پزشکی به‌نام خانم دکتر کحال به صورت هفته‌نامه و در هشت صفحه در سال ۱۳۲۸ قمری/ ۱۲۹۲ شمسی به‌طور رسمی منتشر کرد. هدف این روزنامه آموزش "علم‌خانه‌داری" به نسوان بود و به ذکر مطالب سیاسی نمی‌پرداخت (دانش، ۱۰ رمضان ۱۳۲۸: ۱). مخاطب دانش فقط نسوان نبودند و گاهی مردان را نیز هدف خطاب قرار می‌داد و آنها را به نزاکت و حفظ حرمت زنان توصیه می‌کرد. این نشریه همچنین به مسئله سلامت خانواده نیز توجه خاصی داشت که به‌نظر می‌رسد دلیل اصلی آن پزشک‌بودن سردبیر آن باشد. نوع نگارش و لوگوی این نشریه نیز این امر را در ذهن تداعی می‌کند که به‌صورت غیرمستقیم، نام روزنامه به تفکیک جنسیتی و محدودکردن نسوان انتقاد وارد می‌کند. نگارش واژه دانش به صورت متقارن نیز به نوعی نشان از برابری و تساوی است.

در ادامه تحول روزنامه‌نگاری زنان، مریم مزین‌السلطنه نخستین شماره دوهفته‌نامه مصور شکوفه را در چهار صفحه انتشار داد. هدف این روزنامه آموزش زنان برای رهایی از صفات بد و آموزش خانه‌داری و تربیت اطفال بود (شکوفه، ۹ ربیع الثانی ۱۳۳۱: ۱). برای تعیین روش روزنامه شکوفه می‌توان دوره انتشار آن را به دو قسمت تقسیم کرد: مرحله اول، که از شماره یکم تا دهم را شامل می‌شود، مقالات روزنامه بیشتر درباره تساوی حقوق زن و مرد و تحصیل علم برای نسوان، حمله به خرافه‌پرستی، تأکید بر رعایت قوانین مذهبی و انتقاد از بی‌بندوباری‌های جامعه بود (خداداد، ۱۳۸۷: ۴-۲۳). در مرحله دوم، از شماره دهم تا پایان انتشار، روزنامه ارگان انجمن خواتین شده بود و مسئله استقلال ملی و مبارزه با نفوذ خارجی‌ان را هدف بحث قرار می‌داد (همان: ۴-۲۳). شکوفه از سال دوم به بعد، رنگ‌وبوی سیاسی-انتقادی به خود گرفت و بحث‌های کلی‌تر و جامع‌تری چون علل برخی مشکلات اقتصادی-اجتماعی و عقب‌ماندگی‌های جامعه ایران، انتقاد از عملکرد مسئولان و صاحب‌منصبان و حمایت از برخی کاندیداهای مجلس دوم را در دستور کار خود قرار داده بود. روزنامه شکوفه به ذکر گزارش‌هایی از حرکت‌های جهانی زنان مانند "نخستین قونقره نسوان" (شکوفه، ۵ شعبان ۱۳۳۲: ۴-۳)، "نمایش زنان در لندن" (همان، ۵ ربیع‌الاول ۱۳۳۲: ۱) و "مقایسه حالات زنان اروپایی با زنان ایرانی" (همان، ۲۰ ربیع‌الاول ۱۳۳۲: ۳) نیز می‌پرداخت؛ امری که باعث آگاهی‌دادن به زنان ایرانی از اقدامات زنان کشورهای دیگر می‌شد و برای نخستین‌بار در روزنامه‌ای گزارش این مطالب داده می‌شد که زنان به چاپ می‌رساندند.

^۱ مخدرات جمع کلمه مخدره، به معنای کسی که کاملاً پوشیده است، اصطلاحی برای معرفی زنان در دوره مشروطه است.

روزنامه‌ی زبان زنان

سه سال پس از تعطیلی شکوفه، صدیقه دولت‌آبادی روزنامه‌ی *زبان زنان* را در اصفهان منتشر کرد که ترتیب انتشار آن هر پانزده روز بود. در این دوره اصطلاح "روزنامه" برای مطبوعات عصر مشروطه و اواخر قاجار به معنای روزانه چاپ شدن نیست، بلکه آن مطبوعات به صورت هفتگی یا دوهفته یکبار چاپ می‌شدند. این نشریه از موضوع اصلی‌اش، که بحث در امور مربوط به زنان و دوشیزگان بود، به تدریج خارج شد و به موضوعات اجتماعی و سیاسی زمان پرداخت که در نتیجه جنبه‌ی جنجالی پیدا کرد. در صفحه‌ی اول هر شماره از روزنامه در ستون اول معمولاً مقالاتی در باب وضعیت اجتماعی زنان و راه‌های بهبود آن درج می‌شد و در بیشتر شماره‌ها بخشی با عنوان "داستان رقت‌انگیز" وجود داشت که به اوضاع بد جامعه و نقدهای اجتماعی می‌پرداخت.

زبان زنان به مناقشه‌ی قلمی با مردان می‌پرداخت و موضوع آزادی و استبداد را بیش از مسائل مربوط به مرد و زن و مسائل مختص به زنان هدف بحث قرار می‌داد. سال دوم نشر روزنامه با کودتای ۱۲۹۹ مقارن و سبب تعطیلی آن شد. انتشار روزنامه‌ای مربوط به زنان در شهری مانند اصفهان که رویکردی خاص داشت باعث شد دفتر روزنامه بارها هدف حمله قرار گیرد. مثلاً گزارشی از این نوع حمله‌ها در شماره‌ی چهارم و هفتم این روزنامه در مقاله‌ای با عنوان "دشمنان تفنگ می‌کشند" درج شده است و گزارش‌هایی از حمله به خانه‌ی صدیقه دولت‌آبادی نیز در آن درج شده است (*زبان زنان*، ۳ صفر ۱۳۳۹: ۱-۲). با توجه به رویکردی که این روزنامه داشت، در نهایت توقیف شد. مجوز انتشار مجدد آن طبق نامه‌ی وزارت معارف و اوقاف و صنایع مستظرفه اصفهان در سال ۱۳۰۰ به شرطی صادر شد که فقط اجازه انتشار آن را در قالب مجله می‌داد (بیات و کوهستانی‌نژاد، ۱۳۷۲: ۵۸۲). در سال ۱۳۰۰ش مجله‌ی *زبان زنان* منتشر شد که در حقیقت از نظر روش و هدف مانند روزنامه‌ی *زبان زنان* بود.

از نظر نوع نگارش و انتخاب نام روزنامه، این نکته را نیز باید مطرح کرد که در سیر روزنامه‌نگاری زنان، *زبان زنان* نخستین روزنامه‌ی زنان است که در عنوان خود از واژه‌ی زنان استفاده می‌کند و از آن به بعد است که واژگانی چون بانوان و نسوان در نام روزنامه‌های زنان مانند: نامه‌ی *بانوان* و *عالم نسوان* ظاهر می‌شود. از نظر دستوری نیز *زبان زنان* دارای آرایه‌ی ادبی جناس اختلافی است (اختلاف در نقطه) که با جابه‌جایی یک نقطه واژه‌ی "زبان" بدل به "زنان" می‌شود. از دیگر نکات ادبی در نام این روزنامه استفاده از آرایه‌ی ادبی مجاز است. در حقیقت کلمه‌ی *زبان* مجاز از فکر و اندیشه‌ی زنان است (مجاز جزء به کل) که انتقادی به این باور جامعه وارد می‌کند که زنان را از داشتن فکر و اندیشه دور و جدا تلقی می‌کرد.

روزنامهٔ *زبان زنان* با دقت وارد دگرگونی‌های زبانی و جنسیتی شده است و با به‌کاربردن لفظ خواهران در تلاش است تا نوعی همبستگی و اتحاد میان زنان ایرانی ایجاد کند. این درحالی است که در بررسی مبانی اجتماعی خیزش زنان، لفظ *خواهری* به معنای اتحاد و همبستگی جنس مؤنث، احترام به زنان در جایگاه زن و حمایت زنان از همهٔ هم‌جنسان است که باعث وحدت بیشتر آنان نیز می‌شود (یاتس، ۱۹۷۵: ۱۰۲).

یکی دیگر از نکات مهم درباب *روزنامهٔ زبان زنان*، رویکرد پارسی‌نویسی آن است. این روزنامه به‌شدت به نگارش فارسی و به‌کارنبردن واژگان عربی از خود حساسیت نشان می‌داد. این به‌نوعی نشانهٔ فاصلهٔ فکری آن روزنامه با بدنهٔ اجتماعی جامعهٔ ایران بوده است. در بخش ابتدایی روزنامه به‌کاربردن کلماتی چون "پرهونگاه" در معنی محل اداره، "رهونور" در معنی مدیر روزنامه، "پابست" به معنی تأسیس، "آشکارنامه" در معنی اعلان (زبان زنان، ۶ محرم ۱۳۳۸: ۴) یا حتی نگارش کلمهٔ *خواهران* به صورت "*خاهران*" (زبان زنان، ۱۹ ربیع‌الاول ۱۳۳۸: ۱) و دعوت دیگر روزنامه‌ها مانند *نامهٔ بانوان* به پارسی‌نویسی، از دیگر ویژگی‌های برجستهٔ این روزنامه است.

تجزیه و تحلیل جراید زنان

با بررسی محتوای مطبوعات می‌توان جنبه‌های اجتماعی، فرهنگی و اخلاقی یک گروه از جامعه را مورد بررسی قرار داد. مطبوعات به‌دلیل چاپی‌بودن نیز جزء منابعی هستند که "ارزش سندی" بیشتری دارند (معمتمدنژاد، ۱۳۵۶: ۱۰۴). تجزیه و تحلیل در محتوای مطبوعات با رویکرد جامعه‌شناختی نیز امکان ترسیم سیر تحول اندیشه یا اندیشه‌هایی را فراهم می‌آورد (همان: ۳۹). همچنین در مورد اطلاعات و پیام‌های روزنامه‌ای نیز باید اشاره کرد که همگی آنان کاملاً عقیدتی و واقعیت‌هایی هستند که ارزش‌های ارتباطی دارند (مکنیر، ۱۳۸۸: ۴۷).

سیر تحول فکری در روزنامه‌نگاری زنان که مربوط به جنسیتی خاص و محروم از حقوق اجتماعی به نام *نسوان* بوده است نیز به‌ترتیب ذیل ترسیم می‌شود:

۱. ارائهٔ مطلب درباب فعالیت‌هایی چون شیوهٔ خانه‌داری، نوع تربیت فرزندان و شیوهٔ برخورد مناسب با شوهر بیشتر در روزنامه‌های دانش و شکوفه صورت می‌گیرد.
۲. پیام‌های مندرج در روزنامه‌های زنان مربوط به مطالبات اجتماعی تمام زنان ایرانی است و ارتباطی قابل فهم میان باورهای نویسندگان مقاله‌ها و خوانندگان روزنامه‌ها وجود دارد.
۳. فراهم‌کردن زمینه برای سوادآموزی دختران و ایجاد مدرسه‌های *نسوان* بیشتر در روزنامه‌های شکوفه و *زبان زنان* قابل مشاهده است.

۴. مطرح کردن حقوق اجتماعی مساوی با مردان و درخواست مشارکت زنان در فعالیت‌های سیاسی و ایجاد گروه‌های حزبی برای نسوان در مطبوعاتی چون *زبان زنان* دیده می‌شود. با مطالبی که در این تقسیم‌بندی عنوان شد سیر تحول اندیشهٔ زنان از شیوهٔ خانه‌داری و تربیت فرزند تا تقاضای مشارکت سیاسی و تساوی حقوق و برابری اجتماعی قابل مشاهده است. در عرصهٔ جامعه‌شناختی نیز تجزیه و تحلیل به دو صورت نموداری و ابزاری ظاهر می‌شود. در این میان ابتدا به تحلیل نموداری و مقایسه‌ای میان دو روزنامهٔ زنان یعنی *دانش* و *شکوفه* با *زبان زنان* پرداخته خواهد شد. تحلیل نموداری نوعی از تحلیل است که به کسب اطلاعات در قالب روان‌شناسی پیام‌دهنده می‌پردازد و ارائهٔ اطلاعات دربارهٔ اندیشهٔ خاص یک روزنامه را در دستور کار خود قرار می‌دهد (معمدندژاد، ۱۳۵۶: ۵۲). براساس این تعریف تجزیه و تحلیل نموداری در مطبوعات زنان با وجود یک شاخص اصلی مشترک به نام توجه به مسائل اجتماعی زنان، نشان می‌دهد این مطبوعات که مختص زنان هستند، هدف‌های متفاوتی را دنبال می‌کنند.

اندیشهٔ خاص در روزنامهٔ *دانش*، که نخستین روزنامهٔ زنان در ایران است، وظایف مادری مانند تربیت فرزند است و دایرهٔ فعالیت اجتماعی زن را در چهارچوب فعالیت زن در خانه تعریف می‌کند (دانش، ۱۰ رمضان ۱۳۲۸ قمری: ۱)، درحالی‌که در روزنامهٔ *زبان زنان* اندیشهٔ خاص حضور اجتماعی زنان در جامعه و مشارکت‌های مدنی و اجتماعی آنان معرفی می‌شود. در این تجزیه و تحلیل، روزنامهٔ *دانش* بیشتر به مباحث بهداشتی زنان و خانواده می‌پردازد و روزنامهٔ *زبان زنان* به مشارکت‌های سیاسی زنان در جامعه (*زبان زنان*، ۳ صفر ۱۳۳۹: ۱). یکی دیگر از موارد اختلاف در این است که *زبان زنان* به نوع پوشش زنان و حجاب انتقاد وارد می‌کند، درحالی‌که *شکوفه* در مقاله‌ای با عنوان *فلسفهٔ حجاب* به طرفداری از حجاب می‌پردازد (*شکوفه*، ۲۰ ربیع‌الاول ۱۳۳۲: ۳).

نوع دیگر تجزیه و تحلیل، تحلیل ابزاری است که در آن به خطمشی و نفوذ پیام توجه می‌شود (معمدندژاد، ۱۳۵۶: ۵۶). براساس این تعریف درمیان مطبوعات مورد بحث در این مقاله بیشترین تأثیرگذاری سیاسی در جامعهٔ اواخر عصر قاجار را روزنامهٔ *زبان زنان* داشت. این جایگاه علاوه بر گستردگی در طرح مطالبات اجتماعی زنان، در میزان تأثیرگذاری بر دیگر مطبوعات زنان نیز قابل مشاهده است. برای نمونه علاوه بر تأثیری که متن‌های محتوایی *زبان زنان* بر دیگر مطبوعات زنان داشت، در نام مطبوعات زنان بعد از خود نیز تأثیر گذاشته بود. تأکید بسیار زیاد و مقالات متعدد با موضوع اتحاد زنان و به‌کاربردن واژهٔ *خواهران* یا نگارش مقالاتی چون «خواهران بیدار شوید» نیز در روزنامهٔ *زبان زنان* به ایجاد

نوعی وحدت میان زنان انجامید که در تشکیل انجمن‌های زنان مانند «جمعیت نسوان وطن‌خواه» یا «کانون بانوان» در دوره پهلوی حائز اهمیت بوده است.

بررسی تحلیل محتوا در نامه‌نگاری زنان

تحلیل محتوا یکی از مباحث کاربردی است که پژوهشگران با استفاده از آن به واریسی داده‌های متنی خود می‌پردازند. روش تحلیل محتوا کمی است و در علوم اجتماعی کاربرد زیادی دارد. از این طریق می‌توان به تحلیل تصاویر، حرکات، نحوه ادای کلمات، تکرار کلمات، لحن به‌کاررفته در کلام و غیره پرداخت. با استفاده از روش تحلیل محتوا می‌توان لایه‌های پنهان و زیرین پدیده‌های مرتبط با موضوع پژوهش را به‌دست آورد. درحقیقت تحلیل محتوا در عرصه مطبوعات و نامه‌نگاری‌های زنان باعث می‌شود اهداف نگارنده نامه را دریابیم و دلایل ارسال پیام و نتایج مترتب بر آن را تحت بررسی قرار دهیم. مثلاً براساس نظر ون‌دایک در کتاب *ایدئولوژی و رویکرد میان‌رشته‌ای*، ضمیر "ما" که از نظر زبان‌شناختی به منظور ارجاع یا اشاره به مفهوم درون‌گروهی گوینده متن مورد استفاده قرار می‌گیرد، ممکن است با گرایش تبعیض نژادی^۱ و تبعیض جنسی^۲ تعبیر شود یا حتی ایدئولوژی خاص مانند مردسالاربودن را بیان کند (آقاگل‌زاده، ۱۳۹۱: ۶). با توجه به این مورد، ضمیر "ما" در روزنامه‌نگاری زنان ایدئولوژی جنسیتی دارد که درحقیقت واکنشی دربرابر تاریخ اجتماعی مردسالارانه زمان است.

نمونه دیگری که می‌توان در روزنامه‌نگاری زنان در جهت مسئله تحلیل محتوا به آن اشاره کرد، بافت موقعیت است. بافت موقعیت به بافتی گفته می‌شود که همه عناصر سازنده در نامه مانند مکان، زمان، هدف، جایگاه و موقعیت اجتماعی نویسنده و مخاطب، موقعیت گفتمان مورد بحث درمقابل گفتمان رقیب و دیگر موارد را بررسی می‌کند. بر همین اساس در باب تحلیل نامه‌نگاری‌ها و نوع مطالبات اجتماعی زنان پرسش‌های ذیل را می‌توان مطرح کرد:

۱. نامه‌ها و موارد تحلیل در چه دوره زمانی و در چه روزنامه‌هایی درج شده‌اند؟

۲. این روزنامه‌ها از نظر رویکرد جامعه‌شناختی، به کدام گروه اجتماعی تعلق دارند؟

۳. نگارنده نامه‌ها چه کسانی و مخاطب آنان چه گروهی هستند؟

۴. موقعیت گفتمان مخالف یا گفتمان رقیب در جامعه از نظر قدرت سیاسی و اجتماعی چگونه است؟

درباره تفسیر و تحلیل بافت موقعیت در موضوع روزنامه‌نگاری زنان، به‌منظور پاسخ به پرسش‌های بالا باید گفت نامه‌های مزبور در مقطعی از تاریخ تحولات اجتماعی و رقابت

¹ Racism

² Sexism

گفتمان‌های موجود در سال‌های ۳۸-۱۳۳۷ قمری / ۹۹-۱۲۹۸ شمسی در ایران به قلم زنان به نگارش درآمده‌اند. در این زمان هدف روزنامه‌نگاری زنان تحقق حقوق اجتماعی آنهاست. نگارندگان مقاله‌ها معمولاً از گروه‌های اجتماعی متوسط به بالا و تحصیل‌کرده جامعه ایران در اواخر عصر قاجار بوده‌اند. گفتمان رقیب در این نگرش نیز گفتمان تاریخ‌مذکر و مردسالارانه است که سابقه‌های طولانی در ادبیات و باور اجتماعی جامعه ایران دارد و متناسب با الگوی گفتمانی‌اش نفی، ستیز، محدودیت و محرومیت برای زنان قائل می‌شود. مخاطب نامه‌نگاری‌های زنان نیز تمام زنان جامعه ایران هستند و هدف از این کار بیداری آنان از جهالت است. نکته اساسی دیگر روزنامه‌ای است که مقالات زنان در آن درج می‌شود، زیرا تجزیه و تحلیل یک خبر یا مقاله، به خودی خود، پیش‌از شناخت روزنامه‌ای که آن را چاپ می‌کند و بدون توجه به اهمیتی که در صفحه به آن داده می‌شود، هیچ واقعیتی را آشکار نمی‌سازد (معمدنزاد، ۱۳۵۶: ۱۰۴). مقاله ارزیابی‌شده در این بخش، در روزنامه زنان، به‌منزله روزنامه‌ای که صرفاً مقالات زنان را به چاپ می‌رساند، درج شده است و اهمیت آن درج در صفحه اول و ستون ابتدایی روزنامه است که معمولاً در این روزنامه اصلی‌ترین و سیاسی‌ترین ستون است. در قالب بافت موقعیت، درباب نامه "مهترتاج‌بانو" شکل زیر را می‌توان ترسیم کرد:

عنوان اصلی مقاله: «خواهران بیدار شوید» (زبان زنان، ۱۹ ربیع الاول ۱۳۳۸: ۱)

عنوان فرعی مقاله: «زنان باید از خواب غفلت بیدار شوند».

پیش‌فرض: بیداری و آگاهی زنان به‌معنای بهره‌مندی آنان از حقوق اجتماعی که در صورت نگاه مثبت یا منفی به جمله اصلی، پیش‌فرض هیچ تغییری نمی‌کند و واژه کلیدی خواهران و مبین اتحاد اجتماعی زنان است.

جدول تحلیل محتوایی نامه "خواهران بیدار شوید"

کلمات کلیدی مندرج در نامه	میزان تکرار کلمه
خواهران - زنان - دوشیزگان - نسوان	۲۹ مرتبه
دبستان - مدارس	۱۴ مرتبه
واژگان منفی (فلاکت، بدبختی و غیره)	۱۱ مرتبه
مردان - پسران	۸ مرتبه
وزارت معارف	۶ مرتبه
ایران - وطن	۶ مرتبه
واژگان مثبت (پرورش، ترقی و غیره)	۵ مرتبه
آزادی - دموکراسی	۳ مرتبه

این نامه در مجموع ۱۲۳۶ کلمه دارد که ۶۵ درصد حجم یک شماره از روزنامه را به خود اختصاص داده است. در این نامه‌نگاری، واژه‌های منفی مانند بدبخت، بیچاره، محروم و

ضعیف برای آگاه کردن زنان به عنوان اصلی ترین گروه مخاطب و معرفی عمق فاجعه فرودستی و تبعیض جنسی علیه زنان زیاد به کار رفته است. این نامه نگاری در ابتدا با نگاهی کاملاً منفی آغاز می شود و با مقایسه زنان ایرانی با زنان غربی، آن نگاه منفی را شدت می بخشد و پس از ایجاد زمینه های آگاهی در مخاطب، که همان زنان اند، از واژه های مثبت مانند ترقی، امید و سعادت استفاده می شود و آنان را به آینده امیدوار می سازد. در مجموع سهم واژگان منفی در متن نامه ۳۱ درصد و واژگان مثبت ۶۹ درصد است.

نگارش نسوان در زبان زنان

روزنامه زنان ویژگی هایی دارد که آن را با دیگر مطبوعات زنان قبل و بعد از خودش متفاوت می سازد. این تفاوت ها عبارتند از:

۱. زبان زنان اولین روزنامه ای است که واژه "زنان" در عنوان آن به کار رفته است. استفاده از این واژه دال بر تأکید بر هویت اجتماعی زنان است، زیرا اگر مسئله جنسیت (به معنای بیولوژیک آن) در نظر نگارندگان مهم بود، باید از واژه زن استفاده می شد نه واژه زنان.

۲. این روزنامه، نخستین نگارش مطبوعاتی محلی زنان است که در شهری به جز تهران در جایگاه پایتخت منتشر می شود.

۳. زبان زنان اولین روزنامه نسوان است که به طرح مباحث سیاسی می پردازد.

۴. نخستین روزنامه ای است که در انتهای هر نامه، نام کوچک نگارندگان را که همگی

زن اند می آورد.

۵. نکته مهم دیگر، استفاده از علائم نگارشی برای جلوگیری از خوانش اشتباه مطالب است و مسئله اهمیت صحت خبر، که یکی از برجسته ترین ویژگی مطبوعات است، در این روزنامه دیده می شود که نمونه آن نامه قمر صالحی درباره نبود مدارس دخترانه در لاهیجان است.

۶. زبان زنان نخستین روزنامه ای است که از زنان برای انجام فعالیتی مطبوعاتی با عنوان "وکیل" در معنای "خبرنگار" و مسئول پخش روزنامه در هر شهرستان دعوت به همکاری می کند (زبان زنان، ۱، محرم ۱۳۳۸: ۳).

در تقسیم بندی مطبوعات که عبارتند از حزبی (وابسته به حزب سیاسی)، دولتی (وابسته به دولت)، آزاد یا ملی (طرفدار حقوق اجتماع و جامعه) و زرد (رویکرد تجارتي)، رویکرد روزنامه زبان زنان رویکردی آزاد و ملی است که به مطرح کردن مطالبات اجتماعی نیمی از جامعه یعنی زنان می پردازد. در مجموع موضوعات شمارگان این روزنامه در نخستین

سال انتشارش را می‌توان در سه حوزه تلاش برای ایجاد مدارس نسوان، بازتاب روایات ملی و توجه به امور سیاسی تقسیم کرد.

ایجاد مدارس نسوان

تلاش برای ایجاد مدارس نسوان و فراهم کردن زمینه برای دانش‌افزایی زنان و حق تحصیل یکی از نکات مورد توجه بیشتر مطبوعات این دوره است. این موضوع را می‌توان در مطبوعاتی چون *اختر*، *قانون*، *مساوات*، *صوراسرافیل*، *ایران‌نو*، و تمام مطبوعات زنان بدون استثناء یافت. *اختر* جزء نخستین روزنامه‌هایی است که به مسئله سوادآموزی زنان توجه نشان داد. این روزنامه در حقیقت نخستین روزنامه‌ای است که به سبک جدید روزنامه‌نگاری در استانبول به چاپ رسید و همراهی روشنفکرانی چون میرزا آقاخان کرمانی (آرین‌پور، ۱۳۵۰/۱: ۲۵۰) را هم در جایگاه یکی از مدافعان حقوق اجتماعی زنان در ایران با خود داشت. این روزنامه قبل از روزنامه *قانون* به حقوق اجتماعی زنان مانند حق تحصیل توجه کرد و به درج مقالاتی در موافقت با سوادآموزی زنان پرداخت. در مقاله‌ای با عنوان «تربیت دختران»، بر حدیث «طلب علم برای هر مؤمن و مؤمنه فریضه است»، که پرکاربردترین حدیث در ارج‌گذاری به سوادآموزی زنان در تمام مطبوعات عصر مشروطه است، تأکید کرده است (اختر، ۱۰ صفر ۱۲۹۳: ۳): «باید در امر تربیت دختران و تعلیم آنها از هر جهتی زیاده‌تر دقت کنیم، مکتب‌های جداگانه برای آنها قرار دهیم» و اهمیت تربیت دختران را از تربیت پسران بالاتر می‌دانست و دلیل آن را نقش مادری آنان در آینده بیان می‌کرد (همان: ۳). تلاش برای ایجاد مدارس دخترانه را نیز می‌توان اصلی‌ترین مطالبه اجتماعی روزنامه *زبان زنان* دانست.

در «نامه‌ای از شیراز» که دو زن با نام‌های مخلومه و خالقی آن را به نگارش درآورده‌اند، بعد از قدردانی از «جریده فریده» *زبان زنان*، درباره تأسیس مدارس دخترانه اشاره شده است: «تزیید مدارس برای نسوان لازم و واجب است» زیرا این امر باعث می‌شود زنان ایرانی از جهالت و خواب غفلت‌رهایی یابند (*زبان زنان*، ۶ محرم ۱۳۳۸: ۲-۱). در شماره‌ای دیگر از روزنامه، مقاله‌ای با عنوان «خواهران بیدار شوید» درج شده است که بعد از انتقاد شدید از مردان به دلیل عدم رعایت انصاف در باب زنان، یگانه راه نجات و رهایی نسوان را ایجاد معارف و مدارس دانسته می‌شود و از دولت وقت -کابینه وثوق‌الدوله- به منظور تأسیس یک دبستان فنی برای دختران ایرانی اجاره گرفته می‌شود (همان، ۱۹ ربیع‌الاول ۱۳۳۸: ۱). در نامه‌ای که زنی با نام مهرتاج‌بانو برای شماره یازدهم روزنامه می‌نویسد، به انتقاد از معلمان مدارس نسوان می‌پردازد که حضورشان موجب گمراهی دختران است و در انتقاد از مدارس

فاسد اشاره دارد: «ای کاش ما از این قبیل مدرسه‌های فاسد را هم نداشتیم تا لااقل عفت دخترها در همان خانه‌ها پیش مادرها محفوظ می‌ماند» (همان: ۲). البته ذکر این‌گونه نامه‌ها که در انتقاد از رویکردهای مفسده‌انگیز مدارس نسوان است در مطبوعات این دوره بسیار اندک است.

در «نامه [از] طهران» نگارنده نامه، مهرتاج رخشان، از جشنی سخن به میان می‌آورد که ظاهراً جشن فارغ‌التحصیلی نسوان بوده است. در این نامه اشاره شده است در آن جشن «روح ترقی‌خواهی در عموم زنان و دختران آشکار هویدا بود» (زبان زنان، ۱۹ ربیع‌الثانی ۱۳۳۸: ۴). در همین شماره روزنامه نیز نوشته‌ای که به نظر می‌رسد از خود صدیقه دولت‌آبادی باشد، از نبود مدارس دخترانه در شیراز، یزد و مشهد انتقاد شدید کرده است (همان: ۲). در ادامه همین شماره از روزنامه، دولت‌آبادی از دولت می‌خواهد به مسئله زنان در شهرستان‌هایی چون کاشان هم رسیدگی کند (همان: ۴). در مقاله‌ای به قلم شهرناز آزاد سردبیر چهارمین روزنامه زنان باعنوان نامه بانوان- در روزنامه زبان زنان آمده است: «آیا این هم پذیرفته نیست که اگر مردان دانا و زنان نادان باشند مانند این است که نیم‌تنه کسی بیکاره باشد؟ و آیا مادران دانا با مادران نادان یکان‌اند؟» (زبان زنان، ۱۹ جمادی‌الاول ۱۳۳۸: ۱). ویژگی بارز دیگر این نامه در این است که در ابتدا به اوضاع بد تاریخی زنان اشاره می‌کند و نادانی مردان را نیز به دلیل نادانی زنان می‌داند و معتقد است مردان امروز به این دلیل نادان‌اند که مادرانی نادان داشته‌اند. در انتهای نامه نیز نگارنده معادل پارسی تعدادی از لغات تازی را مطرح می‌کند که با استقبال قاطع روزنامه زبان زنان مواجه می‌شود (همان: ۱-۲).

از نظر نگارندگان مقالات این روزنامه، که همگی زن هستند، «هیچ چاره‌ای برای رستگاری کشور و کشوریان بدون دبستان نیست» (زبان زنان، ۶ رجب ۱۳۳۸: ۱). در نامه‌های زنان در این روزنامه، نداشتن علم برای زن باعث تیره‌بختی او معرفی می‌شود و زنی با نام قمر صالحی در نامه خود از دولت خواستار ایجاد زمینه تحصیل برای دختران است. او عنوان می‌کند: «توجهی در مورد این کمینگان فرموده تا ما زنان ایران اولادهای خودمان را مثل خود بی‌علم بار نیاوریم و مانند ما گرفتار تیره‌بختی نشوند» (زبان زنان، ۲۵ شعبان ۱۳۳۸: ۴). او نیز از نبود مدرسه دخترانه در لاهیجان گلایه‌مند است و در نامه خود از صدیقه دولت‌آبادی به دلیل انتشار روزنامه زبان زنان و توجه به جنس زن و مدیر جریده نسیم شمال به دلیل ارائه آگاهی تشکر می‌کند (همان: ۴).

این نامه از نظر حجم، ۲۵ درصد فضای متنی یکی از شماره‌های روزنامهٔ *زبان زنان* را به خود اختصاص داده است و در آن ۵۰۳ کلمه استفاده شده است. اصلی‌ترین هدف این نامه تلاش برای ایجاد مدارس دخترانه در لاهیجان است و به همین دلیل است که بعد از واژهٔ «زنان»، بیشترین واژه‌های به‌کاررفته در متن نامه، کلماتی چون مدرسه و مکتب است.

نمودار میزان تکرار کلمات نسبت به یکدیگر



در شمارهٔ سی‌وهشتم روزنامه نیز زنی با نام ایراندخت به ارائهٔ تعریف برخی تعابیر می‌پردازد و درباب کلماتی چون عقل، دانش، اراده، عزم و زحمت برای رسیدن به مقصد توضیح می‌دهد (*زبان زنان*، ۲۸ ذی‌قعدة ۱۳۳۸: ۱). در مقاله‌ای باعنوان «سویس» که نگارندهٔ آن شخصی با نام شهربانو است درکنار معرفی موقعیت جغرافیایی این کشور، به تحسین اجباری بودن تحصیلات ابتدایی برای فرزندان پرداخته شده (*زبان زنان*، ۲۷ ذیحجه ۱۳۳۸: ۴-۳) و همچنین اشاره می‌شود: «ما همیشه گفته‌ایم و باز هم می‌گوییم: بانوها و بانودخت‌ها باید تحصیل خط و زبان فارسی را جزو الزم [لازم‌تر] زندگانی خودشان بدانند» (همان: ۳).

توجه به امور سیاسی

اصلی‌ترین تفاوت روزنامهٔ *زبان زنان* با دیگر روزنامه‌های زنان، مسئلهٔ توجه به امور سیاسی روز است. امری که روزنامه‌های دانش و شکوفه توجه زیادی به آن نداشتند. این روزنامه به حمایت از مجاهدان جنگلی و تمجید از شجاعت و اقدامات وطن‌پرستانهٔ برادران جنگلی می‌پردازد و برای ایجاد وحدت در جامعه طرفداران نهضت جنگل را به همکاری با وثوق‌الدوله دعوت می‌کند (*زبان زنان*، ۱۹ ربیع‌الثانی ۱۳۳۸: ۲). در شماره‌ای دیگر از روزنامه، در بخشی با نام «تازگی» مطالبی درباب ورود بلشویک‌ها و انگلوفیل‌ها به گیلان درج شده است و توضیحاتی هم دربارهٔ میرزا کوچک‌خان جنگلی درج می‌شود (*زبان زنان*، ۲ شوال ۱۳۳۸: ۴-۳).

همچنین روزنامه به درج مقاله‌ای با عنوان «انتخابات» می‌پردازد و به انتقاد از محرومیت زنان از حق رأی اشاره می‌کند. به مردان نیز نصیحت می‌کند تا برای زنان حق رأی قائل شوند (زبان زنان، ۱۲ شعبان ۱۳۳۸: ۱).

اخباری نیز از اوضاع نامنظم ایران در روزنامه چاپ می‌شد. گزارش‌هایی درباره آشوب‌های خراسان، نهضت آزادستان در آذربایجان و فعالان جنگلی در گیلان داده می‌شود و مقاله‌ای هم با نام «کابینه و وثوق‌الدوله افتاد» در روزنامه درج شده است (زبان زنان، ۱۷ شوال ۱۳۳۸: ۱). البته در دوران قدرت و وثوق‌الدوله نیز زبان زنان انتقادهایی را به او وارد می‌کرد و درحقیقت در قضیه قرارداد و وثوق‌الدوله با انگلستان، «روزنامه زبان زنان تنها روزنامه مخالف بود که در اصفهان به این قرارداد تاخت و از دموکراسی و اصول سوسیالیسم بحث کرد» (شیخ‌الاسلامی، ۱۳۵۱: ۸۹).

این روزنامه به توضیح درباب اصطلاحاتی چون «سوسیالیسم» پرداخته است و از نظام‌های سوسیال دموکرات، سوسیال دموکراسی، نگرش‌های مارکس در آلمان و نظریه‌های سوسیالیستی سخن به میان می‌آورد (زبان زنان، ۳۰ شوال ۱۳۳۸: ۲-۱).

«امروز ما» نیز عنوان مقاله‌ای دیگر است که به تحلیل و معرفی وزرای کابینه مشیرالدوله می‌پردازد و در ادامه از امتیازدهی به انگلیس‌ها انتقاد می‌کند. در ذیل این موضوع اشاره دارد:

«آری سواحل جنوبی ایران ویران است و از ثروت همان ویرانه‌های ساحل غربی انگلستان آباد شده و شهر ساخته می‌شود. و از این نمونه‌ها چنان می‌شود به‌دست آورد که هرچه امتیاز معادن را زیاده‌تر بدهیم بقیه آبادی‌ها هم ویرانه خواهد شد» (زبان زنان، ۱۴ ذیقعد ۱۳۳۸: ۲).

نکته دیگری که در انتها می‌توان مدنظر داشت تطبیق و مقایسه اصطلاح فمینیسم با نام مطبوعات زنان است. اگر اصطلاح فمینیسم را به معنای توجه به زنان و تلاش برای ایجاد فضای اجتماعی بهتر برای آنان بدانیم، مطبوعات زنان در این دوره نیز زمانی که از عناوینی چون زبان زنان، نامه بانوان و عالم نسوان استفاده می‌کنند درحقیقت توجه به زنان و تلاش برای بهتر کردن فضای اجتماعی آنان را مدنظر دارند.

نتیجه‌گیری

نقش زن در ادبیات اجتماعی ایران نشان‌دهنده مقام پایین و جایگاه فروتر او در جامعه بوده است. البته باید به این مهم توجه داشت که محروم کردن او از مزایای اجتماعی از یک سو و مقایسه‌اش با مردان از دیگر سو نمی‌تواند مقایسه‌ای درست باشد. پی بردن به نقش اجتماعی

زن و مقایسه او برای تعیین میزان توانایی‌هایش زمانی می‌تواند درست باشد که او چون مردان از تمام مزایای اجتماعی برخوردار باشد. در این میان در بررسی تاریخ ایران، به دوران مشروطه باید با دیده‌ای دیگر نگریست. دوره‌ای که آشنایی با فرهنگ غرب، رشد مطالبات اجتماعی، ترویج سوادآموزی و روزنامه‌نگاری و حضور در صحنه‌های اجتماعی را برای زنان ایرانی به همراه آورد. درحقیقت می‌توان مشروطه را نقطه آغازین عبور زن از نگرش سنتی جامعه‌ای دانست که زنان تا قبل از آن در حصارش گرفتار بودند. جامعه‌ای که زنان تا قبل از مشروطه نه تنها حق انتشار روزنامه نداشتند که درمجموع فاقد سواد برای خواندن روزنامه هم بوده‌اند.

نقش زنان طبقه بالای جامعه در حرکت اجتماعی آن زمان، که شدت اعتراض‌های اجتماعی را با خود به همراه داشته است، نشانی از به صحنه آمدن زنان است. اقدامات زنان از واقعه تنباکو تا سال‌های بعد از برقراری مشروطه، مصادف با اقدامات مشابه زنان در جوامع دیگر است. تلاش زنان در کشورهای اروپایی برای رسیدن به دانش و سواد باعث ایجاد حرکتی مشابه در زنان ایرانی می‌شود، به‌صورتی که سوادآموزی به برجسته‌ترین و بااهمیت‌ترین خواسته زنان در این دوران تبدیل می‌شود. البته درباب این مسئله باید توجه داشت که به‌دلیل وجود اندیشه تضاد احکام شرعی با حق تحصیل برای دختران، زنان بارها از احادیث دینی به‌خصوص روایت "طلب العلم فریضه علی کل مسلم و مسلمة" استفاده می‌کردند و نام‌های مدرسه‌های نسوان مانند حجاب، عفاف و عصمتیه نشانی از تلاش اجتماعی زنان برای نشان دادن عدم تضاد میان حق تحصیل زنان با مبانی شرعی بوده است. زمینه پیگیری و پیروزی زنان ایرانی در ایجاد زمینه برای سوادآموزی دختران راه ایجاد نامه‌نگاری در مطبوعات و تأسیس مطبوعات مخصوص زنان مانند دانش، شکوفه، زبان زنان، نامه بانوان و عالم نسوان را هموار می‌کرد.

مطبوعات به‌دلیل ارتباط نزدیک با بدنه جامعه و ارائه درخواست‌های اجتماعی به‌منزله منبع انعکاس اخبار و اطلاعات در ایران دوره مشروطه اهمیتی افزون‌تر از منابع دیگر دارند. درمیان مطبوعات دوره مشروطه می‌توان از روزنامه زبان زنان به‌عنوان یکی از مطبوعات پیشرو در نشان دادن سیمای حقیقی زن نام برد. اهمیت بررسی نقش زن و نوشته‌های او در روزنامه زبان زنان به‌مثابه تنها روزنامه زنان که فقط به انتشار مقالات زنان می‌پرداخت از این جهت است که این روزنامه را می‌توان جزء مطبوعات بسیار تأثیرگذار در پیشبرد اهداف اجتماعی زنان معرفی کرد. در این روزنامه بود که نخستین‌بار مشارکت زنان در فعالیت‌های سیاسی به جد مطرح شد و درکنار مطالب تربیتی و اجتماعی برای زنان، آنان را به مشارکت

در فعالیت‌های سیاسی و انتشار روزنامه‌های زنانه نیز تشویق کرد. مطرح کردن اهمیت دانش‌آموزی برای زنان و نقش سواد در تربیت فرزند، حضور زنان در مسائل سیاسی و همچنین وظیفه زنان طبقه بالای جامعه در رهبری حرکت‌های اجتماعی زنان نیز از دیگر مطالبی بود که در روزنامه زبان زنان از آن سخن به میان آمده است.

نکته اساسی دیگر در باب این روزنامه، دیدگاه انتقادی آن است که مسئله شناخت برای زنان را با هدف تغییر مطرح می‌سازد. این روزنامه درحقیقت بیش از آنکه وظیفه اطلاع‌رسانی برعهده داشته باشد، منعکس‌کننده خواسته‌های اجتماعی زنان بوده است. روزنامه‌ای که می‌توان آن را مبلغ اندیشه‌های فمینیستی درمیان زنان طبقات بالای جامعه ایران دانست. مطرح کردن خواسته‌های اجتماعی زنان نیز زمانی اهمیت می‌یابد که به این نتیجه رسیده باشیم که به دلیل بی‌سوادی زنان، بیشتر خوانندگان این روزنامه نیز مردان بودند و آگاهی‌دادن به مردان در باب حقوق اجتماعی زنان نیز از دیگر هدف‌های روزنامه زبان زنان بوده است.

منابع

- آرین‌پور، یحیی (۱۳۵۰) *از صبا تا نیما*، جلد اول، تهران: شرکت سهامی کتاب‌های جیبی.
- آفاری، ژانت (۱۳۷۸) «تأملی در تفکر اجتماعی- سیاسی زنان در انقلاب مشروطه»، *بولتن مرجع فمینیسم*، تهران: الهدی: ۳۹۸-۴۱۹.
- آفاکل‌زاده، فردوس (۱۳۹۱) «توصیف و تبیین ساخت‌های زبانی ایدئولوژیک در تحلیل گفتمان انتقادی»، *جستارهای زبانی* شماره ۲۰: ۱-۱۰.
- اصفهانی، میرزا ابوطالب‌خان (۱۳۶۳) *مسیر طالبی*، به کوشش حسین خدیوچم، جلد ۲، تهران: سازمان انتشارات و آموزش انقلاب اسلامی.
- ایلچی، میرزا ابوالحسن (۱۲۳۱ قمری) *حیرت‌نامه سفر*، نسخه دستنویس کتابخانه شماره ۱ در مجلس شورای اسلامی، شماره بازیابی: ۹۹۲۱.
- اسناد مطبوعات ۱۲۸۶-۱۳۲۰ هـ. ش. به کوشش کاوه بیات و مسعود کوهستانی‌نژاد (۱۳۷۲) جلد اول، تهران: سازمان اسناد ملی ایران.
- خداداد، معصومه (۱۳۸۷) «نخستین روزنامه‌های زنان در ایران»، *حافظ*، شماره ۴۹: ۲۳-۶.
- شوشتری، میرعبداللطیف (۱۳۶۳) *تحفة العالم*، به اهتمام صمد موحد، تهران: طهوری.
- شیخ‌الاسلامی، پری (۱۳۵۱) *زنان روزنامه‌نگار و اندیشمند ایران*، تهران: زرین.
- معمد نژاد، کاظم (۱۳۵۶) *روش تحقیق در محتوای مطبوعات*، تهران: دانشکده علوم ارتباطات اجتماعی.
- مکنیر، برایان (۱۳۸۸) *جامعه‌شناسی روزنامه‌نگاری*، ترجمه علی اصغرکیا و محمدرسولی، تهران: جامعه‌شناسان.

- اختر، سال دوم، ۱۰ صفر ۱۲۹۳ ق .
- ایران نو، سال اول، شماره ۱۳، ۲۲ شعبان ۱۳۲۷ ق.
- سال اول، شماره ۲۸، ۱۰ رمضان ۱۳۲۷ ق.
- حدید، سال دوم، شماره ۱۳، ۲۶ رجب ۱۳۲۴ ق.
- دانش، سال اول، شماره اول، ۱۰ رمضان ۱۳۲۸ ق.
- زبان زنان، سال اول، شماره ۵، ۱ محرم ۱۳۳۸ ق.
- سال اول، شماره ۶، ۶ محرم ۱۳۳۸ ق.
- سال اول، شماره ۱۱، ۱۹ ربیع‌الاول ۱۳۳۸ ق.
- سال اول، شماره ۱۳، ۱۹ ربیع‌الثانی ۱۳۳۸ ق.
- سال اول، شماره ۱۵، ۱۹ جمادی‌الاول ۱۳۳۸ ق.
- سال اول، شماره ۱۸، ۶ رجب ۱۳۳۸ ق.
- سال اول، شماره ۲۳، ۱۲ شعبان ۱۳۳۸ ق .
- سال اول، شماره ۲۵، ۲۵ شعبان ۱۳۳۸ ق.
- سال اول، شماره ۳۰، ۲ شوال ۱۳۳۸ ق.
- سال اول، شماره ۳۲، ۱۷ شوال، ۱۳۳۸ ق.
- سال اول، شماره ۳۴، ۳۰ شوال ۱۳۳۸ ق.
- سال اول، شماره ۳۶، ۱۴ ذیقعدہ ۱۳۳۸ ق.
- سال اول، شماره ۴۲، ۲۷ ذیحجه ۱۳۳۸ ق.
- سال دوم، شماره ۴۷، ۳ صفر ۱۳۳۹ ق.
- شکوفه، سال اول، شماره ۶، ۹ ربیع‌الثانی ۱۳۳۱ ق.
- سال دوم، شماره ۲۲، ۵ ربیع‌الاول ۱۳۳۲ ق.
- سال دوم، شماره ۲۴، ۲۰ ربیع‌الاول ۱۳۳۲ ق.
- سال دوم، شماره ۴، ۵ شعبان ۱۳۳۲ ق .
- صور اسرافیل، سال اول، شماره ۷ و ۸، ۲۱ جمادی‌الآخر ۱۳۲۵ ق.
- مساوات، سال دوم، شماره ۱۸، ۱۹ صفر ۱۳۲۶ ق.
- Bradford, Arten (1959) *German Persian Diplomatic Relations 1873-1912*. Gra-venhage: Mouton & Co.
- Keddie, Nikki (2000) "Women in Iran Since 1979", *Social Research*, 67 (2): 405-438.
- Singh, Nihal (1911) "The Persian Women at the Parting of the Ways", *Englishwomen*, February, 7911: 173-181.
- Yates, G. G. (1975) *What Women Want*, Cambridge: Harvard University Press.